



مصاحبه با :

حجة الاسلام والمسلمين

موحدی کرمانی

نماینده امام و امام جمعه باختران



آینده جنگ

رهبری و مرجعیت در نظام اسلامی

روحیه رزمندگان

امید انقلاب و امت

اوضاع کنونی کردستان

انسجام، تشکل و وحدت

بسم الله الرحمن الرحيم
با تشکرات جناب مستطاب حجة الاسلام
والمسلمين آقای موحدی کرمانی نماینده امام
و امام جمعه باختران ، عضو منتخب مجلس
خبرگان ، عضو شورای داوری حزب جمهوری
اسلامی و عضو مرکزی آن که وقت خود شان
را در اختیار مجله پاسدار اسلام قرار دادند
اند .
- جنابعالی آینده جنگ را چگونه تربیم
می‌کنید و چگونه می‌بینید ؟

بسم الله الرحمن الرحيم . با سلام به
رزمندگان فداکار و جانباز و درود به حضرت
امام مدظله . تصور می‌کنم مسئله جنگ و
سرنوشت جنگ برای ملت ما روشن است ،
مخصوصاً با توجه به پیروزیهای چشم‌گیری
که رزمندگان ما در این عملیات والفجر ۳ و

۴ داشتند ، و پیروزیهایی که در سرکوب
کردن ضد انقلاب داخلی در کردستان و مرز
کردستان و باختران داشتند ، مسئله تقریباً
برای مردم روشن هست ، الان خوشبختانه
صد در صد ابتکار عقل در جنگ با رزمندگان
ما است ، و اینها هستند که می‌توانند تصمیم
بگیرند و پیروز شوند ، و در مقابل این تصمیم
هم هر نیرویی که قرار گرفته و خواسته
مقاومت کند ، بحمدالله آن نیرو ، در هم
شکسته شده ، و هر توطئه‌ای که دشمن بکار
برده برای منصرف کردن رزمندگان ما از
رسیدن به مراحل تصمیم‌شان آن توطئه‌ها
ناموفق مانده است .

در هر حال در مجموع باید در یک کلمه
کوتاه عرض کنم که وضع جبهه‌ها بحمدالله
بسیار خوب است ، روحیه‌ها بسیار بالاست
و خدا هم که با ماست ، موفقیت هم نصیب

رزمندگان شده و باز هم در انتظار موفقیت
بیشتر هستیم .
از روحیه این برادران عزیز هم یک کلمه
عرض کنم : همین دیروز بود که رفتیم
بیمارستان شهید مصطفی خمینی و از تعدادی
مجروحین عیادت کردم ، این عزیزان را که
بعضی بالای تخت و بعضی در پله‌ها در حال
بالا رفتن و پائین آمدن بودند دیدم ،
متوجه مطلب شدم ، مثلاً برادری را دیدم
روی تخت ، دو پایش از زانو و یک دستش از
مرفق قطع بود ، رفتیم نزدیک و سلام کردم با
اینکه سش‌پائین بود ، شاید بیش از هفده
هیجده سال نداشت ، احوالش را پرسیدم ، عین
تعبیرش این بود : بی‌خیال (هیچ ناراحت
نباش) . چیزی نیست ! خیلی مرا تکان داد ،
مادرش هم آنجا نشسته بود . گفت چیزی نیست
اینها در راه خدا بوده و ما شرمند هستیم

چون هنوز کاری نکردیم!

بیان بفرمائید.

خلاصه در بین تمام مجروحین عزیزی که عبادت کردم و آنها را بوسیدم یک چهره، بزمردهای که من آنرا بشناسم. آنچه بافتم روحیه بود، قدرت معنوی بود، ایمان بود، نورانیت بود. به یکی از برادرها که لابلائی پتوهایش فقط نمایان بود، دست پیچیده شده و پا پیچیده شده و شکم آسیب دیده بود که از وسط این پوشیدگی ها هر چه نگاه می‌کنم یک پارچه نور می‌بینم. آری! با چنین رزمندگانی موفقیت نهائی قطعی است. این صحنه‌هایی که از رزمندگان عزیزمان دیدم: دستها به گردن بسته، پاها آویزان، ولی لبها خندان و زبانها شاکر و چهره‌ها شاداب.

این منظره‌ها است که برای فرشتگان زینبندگی دارد و نزد آنان بسیار محبوب و جذاب است این برادران رزمنده آسیب دیده بالای تخت‌مان هستند و آن هم برادران نان درجبهه‌ها، یکی از آنها را دیدم که لب تشنه است و گویا آب به او نرسیده است، اما یک مقدار بخی دارد که گردو خاک بهایان هم رویش نشسته است، بخی را می‌شکند به صورت حبه قند و در فاصله‌هایی توی دهانش می‌گذارد که خود را از تشنگی نجات دهد و با این حال مسرور و خوشحال است. آن رزمنده‌های ما، این جانبازان ما و آن شهدای ما و این هم ملت ما، ملت حاضر در صحنه ما و این هم پیروزیهایی که الحمدلله جلوی چشم ما است و باید بگویم: مطمئن هستم که خداوند باری می‌کند این استاپتار گرفتار کار را و فقط همان جمله‌ای که حضرت زینب - سلام الله علیها - فرمودند، من هم تکرار می‌کنم: "والله ما رأیت الا جمیلا". هر چه می‌بینم زیباست، و تمام اینها نویسد پیروزی نهائی را بطور کامل می‌دهد ان شاء الله.

دشمنان ما در گذشته کوشش می‌کردند از کردستان مسئله‌ای بسازند و خیلی سعی می‌کردند منعکس کنند که بخشی از مردم ایران از انقلاب جدا هستند، ولی الحمد لله الان این انقلاب به ما نشان داد که مردم کردستان و مسلمانان کُرد الحمدلله با انقلاب و همراه انقلاب و در خدمت انقلابند و ضد انقلاب امکان دارد در هر گوشه‌ای یک رخنه‌ای احیاناً بکند، من جمله در کردستان هم بی‌خیانت نیست و امروز با حرکات کوبنده و توفنده‌ای که رزمندگان ما در داخل داشته‌اند، موفق شده‌اند ضد انقلاب را در حد بسیار چشمگیری سرکوب کنند. در این زمینه تصور می‌کنم که مردم بخوبی آگاه هستند.

اخیرا هم در مرز بین کردستان و باختران در حوالی سنقر و کامیاران، ضربات بسیار کوبنده و مهلکی به پیکر ضدانقلاب وارد شد تعداد زیادی کشته شدند. و تعداد زیادی اسیر و در مجموع باید عرض کنم که هم ملت کُرد با انقلاب هست و هم ضدانقلاب در آنجا در حد بسیار خوبی سرکوب شده و برادران عزیز ما چه از ارتش و سپاه و کمیته و چه نیروی بسیج خوب کار می‌کنند، عشایر هم نسبتا موفق هستند.

راجع به عشایر هم عرض کنم که سرانشان ملاقاتهای متعددی در باختران با من داشتند و شدیداً استقبال می‌کردند که بطور کامل صد در صد با انقلاب باشند و در این زمینه هم برنامه‌هایی داریم که انشاء الله بنا است اجرا کنیم و اگر درهای هم سو تفاهم وجود دارد آنها هم بر طرف شود انشاء الله - منظور عشایر کرد است؟

بله و اما در رابطه با وحدتی که سؤال فرمودید در بین شیعه و سنی آنها باید عرض کنم: در این مدتی که مخصوصاً من در باختران بودم و مسائل را از نزدیک لمس

- لطفاً ترسیمی از اوضاع کنونی کردستان و مسئله وحدت بین شیعه و سنی در آن منطقه بخصوص وضع روحانیت اهل تسنن را

کردم، بحمدالله با آغوش باز برادران اهل سنت از وحدت استقبال می‌کنند و اهل وحدت هستند و تحقیقا باید بگویم که ما الان مشکلی بنام تسنن و تشیع نداریم و این برادران اهل سنت هستند که درجبهه حضور دارند، پشت جبهه‌ها حضور دارند، کمکهای بسیار ثابانی به جبهه‌ها می‌کنند، روحانیت تسنن و تشیع در کنار هم و با هم کار می‌کنند که مکرر من دعوت کرده‌ام از روحانیین اهل تسنن و جمع شده‌اند، من آن مجمع را بسیار مجمع خوبی یافتیم، تفاهم و صفا و همکاری و صمیمیت بر آن جمع حاکم بود و این مایه مسرت و خوشحالی است

- به نظر شما، مسئله رهبری و مرجعیت در نظام و جامعه اسلامی آیا قابل تفکیک است یا نه؟

این از مسائل بسیار مهمی است که باید برای جامعه ما خوب باز بشود و جامعه درک کند که معنای مرجعیت چیست و معنای رهبریت چیست. بعد از آنکه این دو کلمه مفهومی خوب روشن شد، آن وقت ببینیم که آیا اینها می‌تواند از هم جدا باشد یا نه؟ قبل از آنکه توضیح بدهم باید عرض کنم اگر معنای این دو کلمه برای مردم ما روشن بشود، همه به اتفاق آرا خواهند گفت که امکان ندارد رهبریت از مرجعیت جدا باشد. معنای مرجعیت این است که یک فرد در کل کارها، کسبها، عبادت‌ها، حرکات و سکناتش یک مرجع تقلید دارد و وظیفه - دینی خود را از او سؤال می‌کند، از نماز و روزه و عبادت و راه صحیح رسول در آوردن گرفته تا برسد به مسائل سیاسی و شرکت در جبهه و صلح و جنگ و ...

کلامی نور و نور

پس مرجع کسی است که به عنوان نایب امام زمان صلوات الله و سلامه علیه تعیین کننده جمیع وظائف یک انسان مقلد در جمیع ابعاد زندگی فردی، اجتماعی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی باید باشد. از سوی دیگر رهبر کسی است که خط مشی به جامعه می دهد، خط نظامی را مشخص می کند در بعد اجتماعی نظر می دهد و خط می دهد و مشخص می کند که باید چه باشد، فرهنگ باید چگونه باشد، جامعه بسوی چه هدفی سوق داده شود و افعال اینها، و دقیقاً ما می بینیم که این دو امر (مرجعیت و رهبری) نداخل با هم دارند، پس اگر چنانچه رهبریت را از مرجعیت جدا کنیم، معنایش همان جدا بودن دیانت از سیاست است. و آنانکه می خواهند دین را از سیاست جدا کنند، می گویند، رهبر مسئول مسائل سیاسی است و باید در آن مسائل نظر بدهد و مرجع تقلید باید در وظائف فردی نظر بدهد. با اینکه به هیچ وجه نمی توان مسائل فرد را از جامعه جدا کرد و این یکی از برنامه های بسیار خطرناک استعمار گذشته بوده که الان هم شدیداً علاقمند است این طرز تفکر در جامعه بوجود بیاورد، که بدنبال بوجود آمدن این طرز تفکر جامعه خواهد بود، و من اضافه می کنم که مسئله حادثه تراز این هم می شود برای اینکه اگر بپذیریم که مثلاً سیاست را رهبر تعیین کند و دیانت را مرجع تقلید، مسئله برگشتش به این می شود که مرجع تقلید باید خطوط سیاسی را هم مشخص کند، یعنی وظیفه مقلد را در مورد مسائل سیاسی هم باید تعیین نماید و این مقلد است که در کل مسائل من جمله مسائل سیاسی از مرجع تقلید خود نظرخواهی کند در این صورت دیگر چه محلی از اعراب برای

رهبری باقی می ماند؟! اگر در کل مسائل اینا باشد مقلد مراجعه کند به مرجع تقلید و از او نظر خواهی بکند، دیگر مَحْصَل رهبریت چه خواهد بود؟! پس اگر رهبر نظرش این باشد که فرض بفرمائید در اینجا به این شیوه باید عمل شود، مرجع تقلید می گوید که نه! نظر من چیز دیگری است! مقلد هم نه تنها متحیر و سرگردان می شود بلکه طبعاً ناچار است نظر مرجع تقلید خود را عمل کند، و این بزرگترین فاجعه است برای جامعه ما! بنده معتقد هستم که صد درصد رهبریت و مرجعیت باید یکجا جمع شود و ما برای

در این انقلاب چشم به حضرت آیت الله العظمی منتظری دوخته ایم و دل امید به ایشان بسته ایم... ابعاد مختلفی که باید در یک روحانی به تمام معنا باشد در شخص ایشان هست... ایشان در قله ای بلند از علمیت و قدرت استنباط می باشند و شایستگی های معنوی و اخلاقی در ایشان بسیار بالا است.

تداوم انقلاب هیچ راهی نداریم جز همین وحدت مرجعیت و رهبری .
- اگر صلاح می دانید بعضی از چهره های درخشانی را که مایه امید انقلاب و است هستند نام ببرید ؟
* از آنجا که این انقلاب قدرت معنوی فوق العاده دارد، امید به افراد فراوان داریم و روحانیت بحمدالله در خدمت انقلاب است و با کمال ایثار و علاقه، وظائف خود را انجام می دهد و شخصیت های

زیادی هستند که در دل مردم جا دارند و از محبوبیت فوق العاده ای برخوردارند، مجالتی برای اینکه من نام از این افراد ببرم نیست، ولی می توانم از یک شخصیت بزرگ نام ببرم و آن حضرت آیه الله العظمی منتظری است که ما در این انقلاب چشم به ایشان دوخته ایم، و دل امید به ایشان بستیم. ایشان شخصیتی هستند که از همان هنگام در انقلاب و حرکت توفنده مردم در جامعه ما مطرح بود، چهره ایشان از همان وقت مشخص بود، فداکاریهای ایشان، کلمات روشن ایشان، زندانهای که رفتند و رنجها و نازاحتیهای که دیدند، دشواریهایی که متحمل شدند، حضور کاملی که در انقلاب و پس از پیروزی انقلاب داشتند همه را می بینیم و مشاهده می کنیم، نه تنها مسئله مبارزه مطرح است، ابعاد مختلفی که باید در یک روحانی به تمام معنی در جامعه انقلابی باشد، در شخص ایشان هست تصور می کنم مراتب علمی ایشان بر کسی پوشیده نیست، با آنکه آن روحیه معنوی و قداست ذاتی ایشان دارند ایجاب می کند که خیلی مایل نباشند در جامعه مطرح شوند ولی آن وزن علمی ایشان دهها سال است که برای فضلا، اساتید و بزرگان حوزه علمیه مشخص و روشن است، مخصوصاً بحثهایی که اخیراً داشتند، از طریق رادیو پخش می شد تحقیقا باید بگویم که کافی است کسی خوب به این بحثها گوش کند تا اوج قدرت فکری و علمی ایشان را در باید که در چه قله ای بلند از علمیت و قدرت استنباط می باشند و چطور مدارک فقه و اصول در دست ایشان است. در هر حال بعد علمی ایشان چیزی نیست که شخصی مثل من بتواند بیان کند. این مافوق بیان من است. جنبه های زهد و آن شایستگی های معنوی و اخلاقی در ایشان به حد بسیار بالا است. در مجموع باید عرض کنم: ما و روحانیت و حوزه و انقلاب و مردم همه چشم به ایشان داریم و امیدوار هستیم انقلاب ما از افراد وزینی چون ایشان و امثال ایشان انشاء الله

بهره مند شود، و بتوانیم شاهد مو
نهائی و پیروزیهای نهائی که به
زحمات و خدمات اینطور شخصتهای بزرگ
بدست می‌آید باشیم

— با عرض معذرت از اینکه زیاد وقت
جنابعالی را گرفتیم، آخرین سؤال را از شما
می‌پرسم: جنابعالی به عنوان عضو شورای
داوری حزب و عضو مرکزی حزب جمهوری
اسلامی، بنظر شما حزب چه رسالتی نسبت
به انقلاب دارد؟

■ یکی از چیزهایی که برادران بنیانگذار
حزب از همان روزهای اول به آن توجه
داشتند، این بود که انقلاب نیاز به شکل
دارد، و اگر شکل نباشد ممکن است خطراتی
انقلاب را تهدید کند و از طرفی دیگر
نیروهای عظیم انقلاب بسایزند و اگر این
نیروها منسجم و متشکل نشوند و حالت
مقابله با دشمن را نداشته باشند، بدیهی
است که شکست می‌خورند، مثلث مثل این
می‌ماند که دشمن در جبهه جنگ منسجم
است و برنامه‌هایش را ریخته‌گاملاصاف‌بندی
کرده، صفوف منظم است، مسئولیتها
مشخص است، اما اینطرف، جبهه اسلام از
هم پاشیده و متفرق و پراکنده باشد، بدیهی
است که اینها هر قدر هم زیاد باشند،
چون متفرقند و منسجم نیستند در مقابل
آن حرکت منسجم دشمن ضربه می‌خورند و
نابود می‌شوند. این طرز تفکری وجود
داشت که بدلیل تشخیص ضرورت تشکل،
این حزب بوجود آمد و مردم استقبال
عظیمی کردند و آمادگی خود را برای همکاری
اعلام داشتند و از همان وقت حزب بسک
قدرت شد در کشور ولی در خدمت اسلام و
انقلاب، و انصافاً باید بگویم که در هر
مقطعی که یک برنامه یا وظیفه‌ای بود، این
حزب با حساب و برنامه ریزی و دقت،
وظیفه خودش را خوب انجام داد و در جمع
صحنه‌های انقلاب حضور داشت.
اکنون هم من معتقدم این انقلاب بیش

از روزهای اول به تشکل و انجام نیاز دارد
و از وظائف حتمی و قطعی است که باید این
امت انقلابی با تشکل و انجام کار کند.

موسسین حزب چهره‌های شناخته شده‌ای
هستند و در این کنگراس که تشکل شد
انتخاباتی را انجام دادند و شورای مرکزی
را انتخاب کردند، شورای داور را انتخاب
کردند که چهره‌ها، چهره‌های شناخته
شده‌ای برای جامعه ما می‌باشند و در مجموع
ما به حزب خیلی امیدها داریم و بیشتر از
حزب به مردم. و در این صورت انشاءالله
انقلاب ما با پشتوانه الله و با سرمایه‌های
ایمان و فداکاری و ایثار در صورتی که این
تشکل و انجام هم زمینه بتوسعه بیمه شده
است و من برای اهمیت این تشکل آن جمله
امیرالمؤمنین — صلوات الله و سلامه علیه
را یادآوری می‌کنم که در آن وصیتنامه بعد
از تقوی، دومین سفارش را راجع به نظم
کرده‌اند:

“اوصیکم و جمیع ولدی و اهلی و
” من بلفه کتابی بتقسوی اللهو
” نظم امرکم ”

نظم امور همان عبارت است از تشکل که
انسانها شناخته شوند، صلاحیتها و لیاقتها
روشن شود و از هر انسانی در آن حدی که
صلاحیت و لیاقت خدمت دارد استفاده
شود. امیدوار هستیم انشاءالله خداوند
امت انقلابی را به سوی تشکلی که مورد
رضایت اوست باری دهد و بتوانند به آن
اهداف عالیه انقلاب نائل شوند.

— در پایان اگر صلاح می‌دانید پیامی
را برای امت پاسدار اسلام، مخصوصاً در
مورد ضرورت حفظ وحدت که یکی از مهمترین
ارگان دوام انقلاب است بیان بفرمائید؟

■ این نکته بسیار مهمی است که در مورد
تشکل بیان فرمودید و من معتقد هستم که
اگر این تشکل در سایه وحدت باشد، اثر
بسیار مطلوبش را خواهد داد، یعنی با این
بیانی که بنده عرض کردم تشکل ضرورت

دارد، ممکن است جامعه انقلابی ما بگوید
که هیچ لازم نیست یک تشکل باشد، بلکه
تشکلهای می‌تواند باشد، هر جمعی با یک
تشکلی، با یک برنامه ریزی در خدمت انقلاب
باشند، گروهها، احزاب، دسته‌ها
جمعیتها، همه باشند. البته ما مخالف
نیستیم و حتی پیدایش احزاب و گروهها
در قانون اساسی هم پیش بینی شده و اینکه
فعالیت گروهها و احزاب آزاد هستند ولی
در اینجا سخنی عرض می‌کنم و آن این است
که اگر دو گروه یا چند گروه وجود داشته
باشند که این همه گروهها در خدمت انقلاب
باشند آنوقت آنچه می‌تواند باعث شود که
این چند گروه از هم متمایز بشوند، وجه
تمایز چه می‌تواند باشد، اگر گفته بشود به
اینکه این گروه و آن گروه هم در خدمت
انقلاب و گروه سومی هم در خدمت انقلاب
و همچنین... اگر همه در خدمت انقلاب
هستند طبعاً انقلاب که یک فکر بیشتر و یک
هدف بیشتر ندارد، یک خط مشی بیشتر
ندارد، یک رهبر بیشتر ندارد، یک مکتب
است. با جمیع این وحدتها اگر همه این
وحدتها بخواهد حفظ و مراعات بشود دیگر
بنظر من از کجا دیگر معقول نیست دوئیتی
اینجا پیدا شود، با حفظ همه وحدتها، من
امیدوارم انشاءالله جامعه انقلابی ما روزی
به این نتیجه برسد که اگر بنا است جمیع
خطوط انقلاب حفظ شود — که طبعاً هم باید
اینطور باشد — باید امت، امت واحده باشد
و دیگر در آن دوئیتی مطرح نباشد. و در
این صورت است که صد در صد آمریکا و
شوروی و ابرقدرتها و جمیع غارتگرها و
ستمگرها ناامید می‌شوند.

— با کمال تشکر و آرزوی سلامتی و عافیت
برای شما و پیروزی همه رزمندگان اسلام.